

DC

3  
of 12

# The Batman's Grave



کاری از: کیوان داوند

دورنام  
dorname.ir

قبر بتمن



جیم گوردون  
دوست قدیمی خوب.

چی؟

مرگ تورتون  
که خودکشی جلوه داده  
شده. گوردون به نگاه کرد  
و فهمید که اسلحه از دست  
راست تورتون افتاده.



اون چپ دست  
بوده.

و همین  
موضوع کافیه که  
گوردون این پرونده رو  
به شما ارجاع بده تا تو  
هم نگاهی بهش  
بندازید؟



اون نیاز نداره که  
یه پرونده بیش از حد  
پیچیده و استرس زا روی  
میزش باشه.

اون بیش از حد کش اومده و  
شاید دو سوم از آدمهاش  
یا برای مجرم ها کار می کنند  
یا خودشون مجرم هستند.

من برای همین  
کارهام.



شما یه نیکوکار  
مثبت اندیش هستید قربان.  
اقدامات فوق قضایی انجام  
می دید تا اوقات فراغت  
بیشتری به کمیسر  
تقدیم کنید.

اگه به نگاهی  
هم به کل برنامه های  
روزانه ضرب و شتم  
مجرمان در اداره پلیس  
کاتهام بندازید، قطعاً  
می تونه بره تعطیلات.



تورتون پول  
زیادی رو جابجا می کرد.  
که البته توقعش رو داشتیم.  
چون همیشه تو کارهای  
کثیف بود.

پرداخت های مرتب،  
و فرارهای مالیاتی  
...و



و یکباره توقف.  
بذار ببینم  
می تونم این موضوع  
رو سریع حل کنم.



آیا از مهارت های  
کامپیوتری پلید برای  
ارتکاب جرائم مالی علیه  
سرمایه داری سیاه استفاده  
می کنید ارباب  
بروس؟

بله.



امید زیادی  
برای شما هست.



فکر می کنم وقتی شغلش رو ترک کرد، زیاد برای جامعه جنایی مفید نبود.

پرداخت های قلمبه. کاهش... سرعت کسب درآمد.

بعضی پرونده های دردسر- ساز. بعضی از اونها مربوط به شرارت می شه.

پرونده های حقوقی علیه اون زیاد هست. اکثرا پرونده های مدنی که در زمان حضورش در دادگستری بوده.



چقدر؟

اوه. این خیلی دنیویه و تا حدودی غم انگیز.

اون پرداخت هایی رو به یه روانکاو داشته.



وقت کافی ندارم.

نمی فهمم. برنامه برای رمزگشایی اعداد زمان بیشتری رو اختصاص می ده.



بسیار خوب. آزمایشگاه ها فعالند. می خوام نگاهی به مکان تورتون بندازم.



# فصل ٣

Writer

**WARREN ELLIS**

Pencils

**BRYAN HITCH**

Inks

**KEVIN NOWLAN**

Colors

**ALEX SINCLAIR**

Letters

**RICHARD STARKINGS**

Cover

**BRYAN HITCH &  
ALEX SINCLAIR**

Variant Cover

**JEEHYUNG  
LEE**

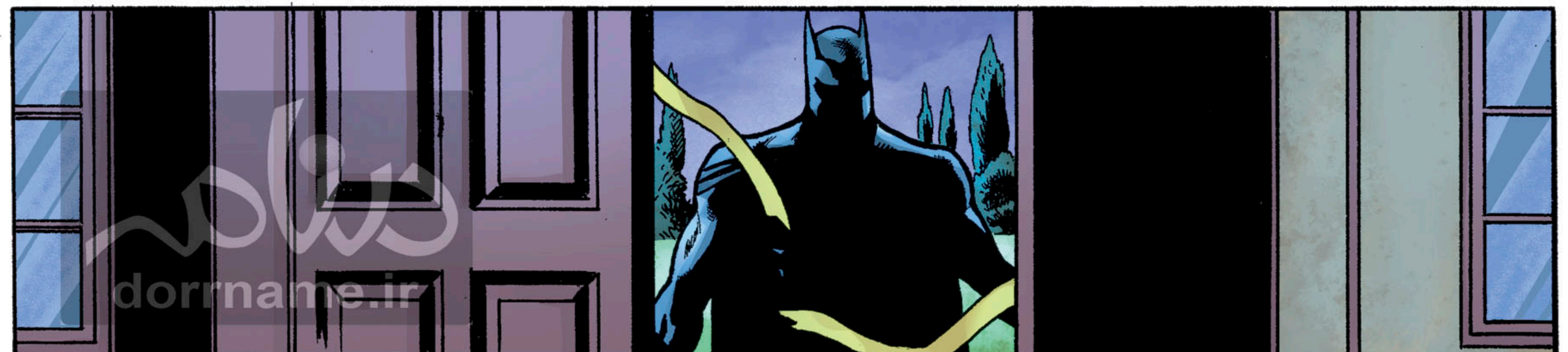
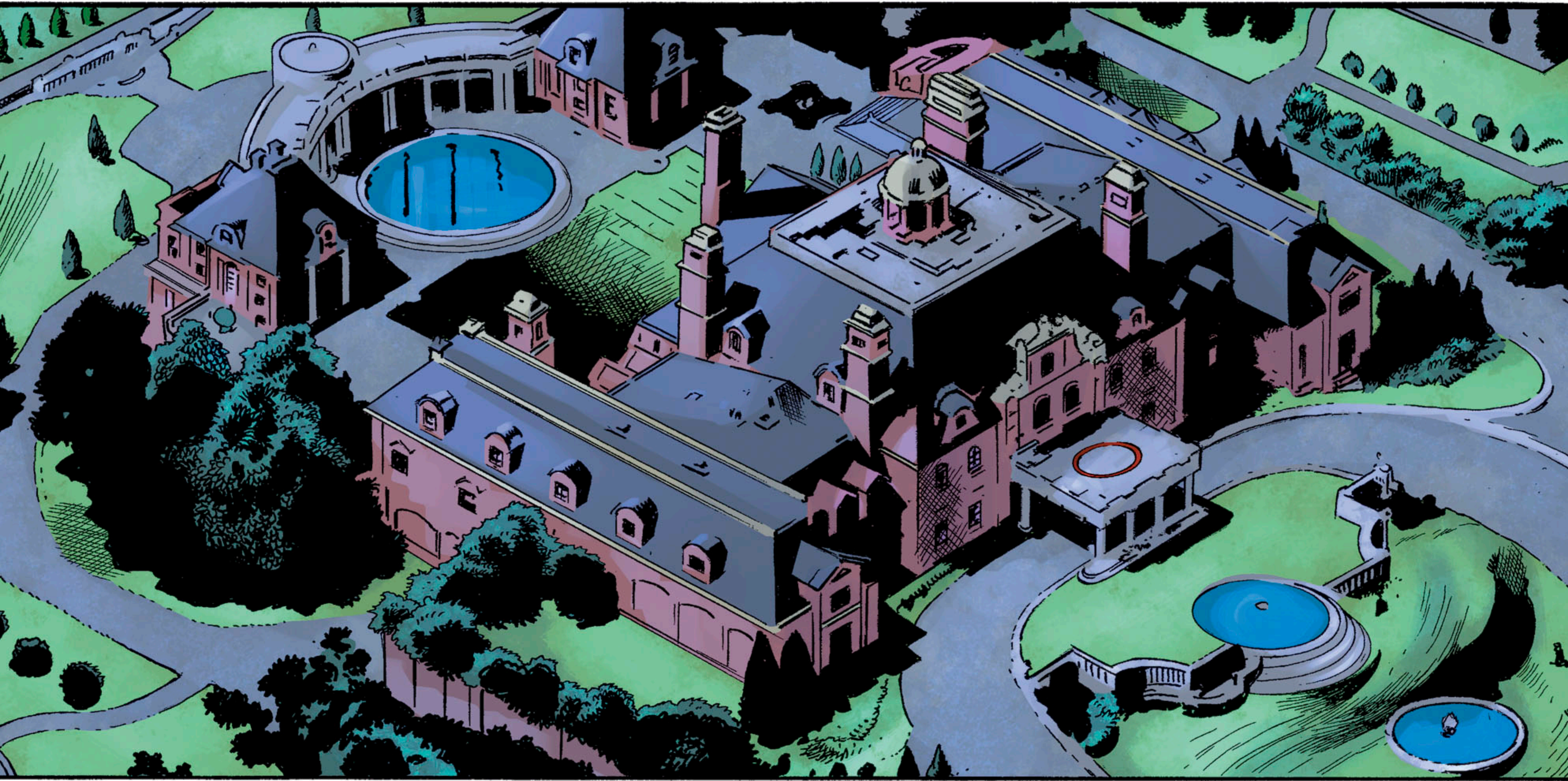
Associate Editor

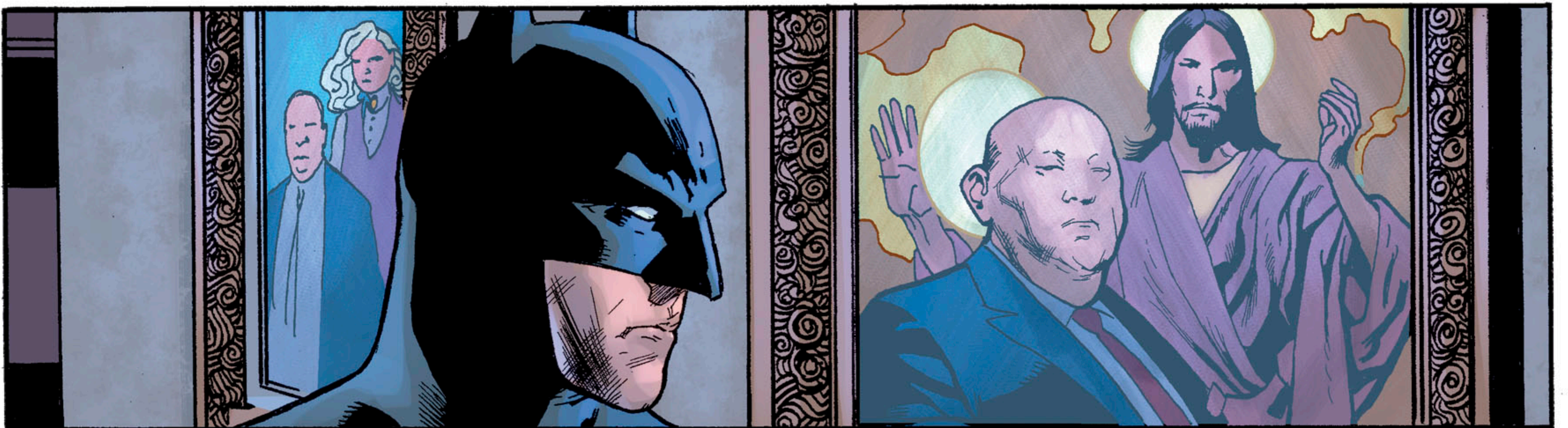
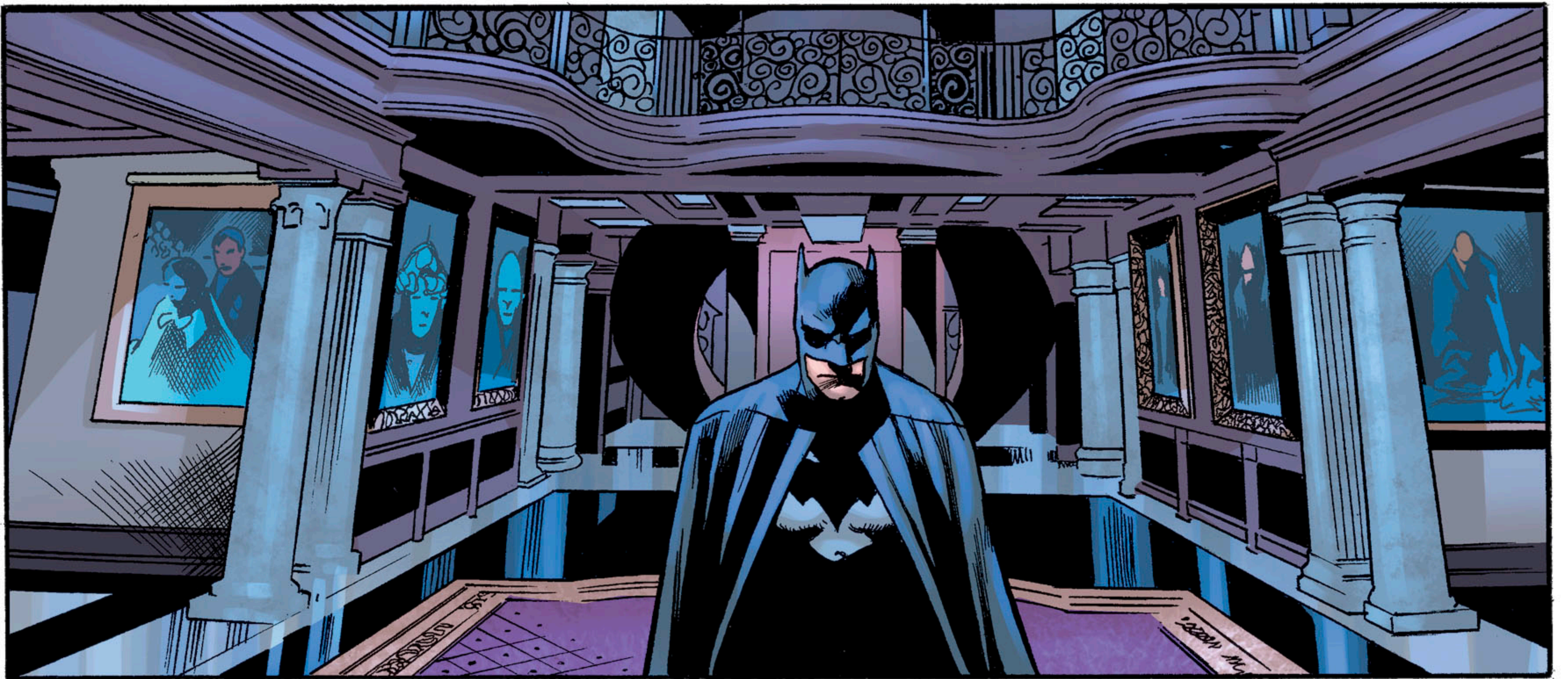
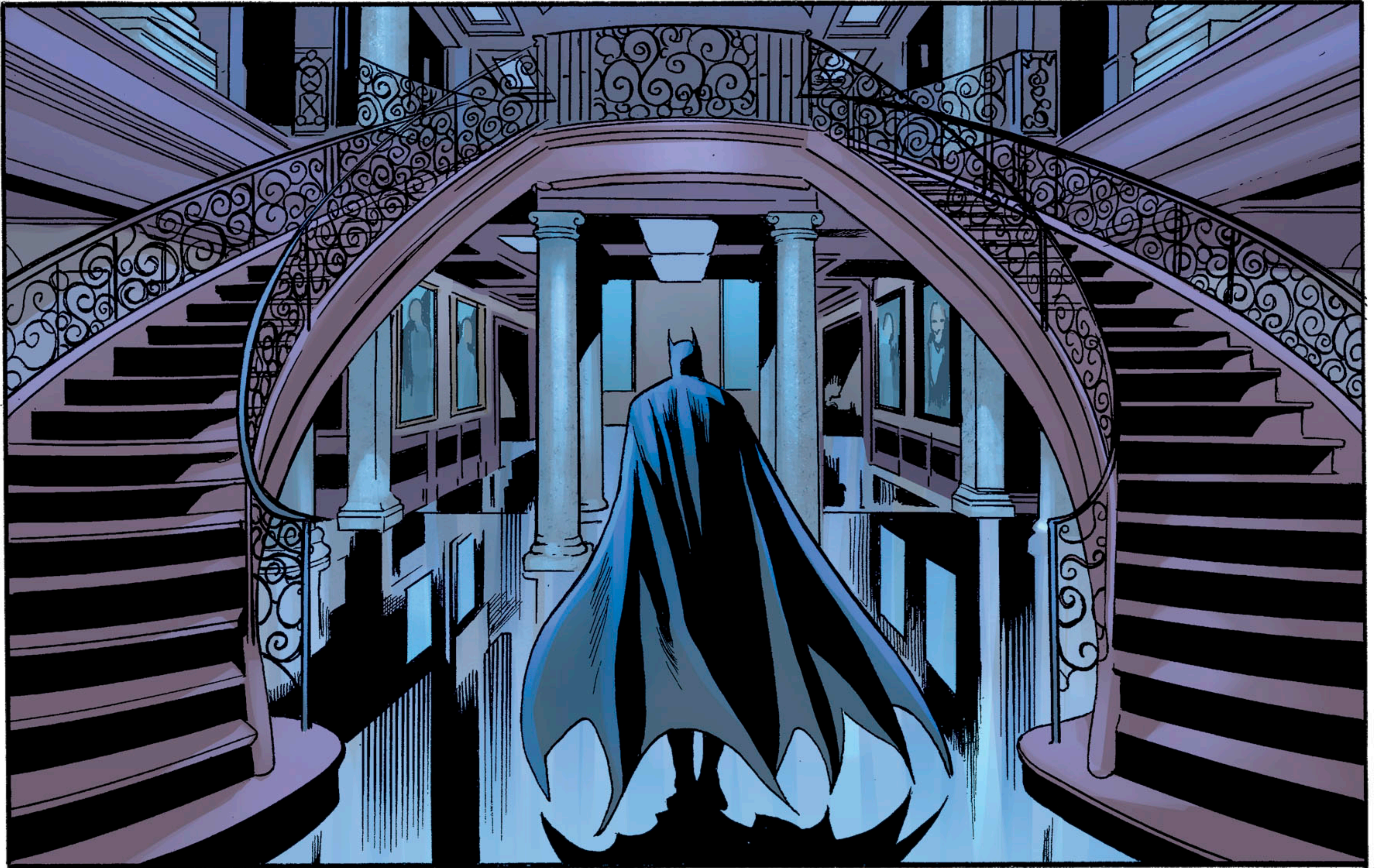
**ANDREW MARINO**

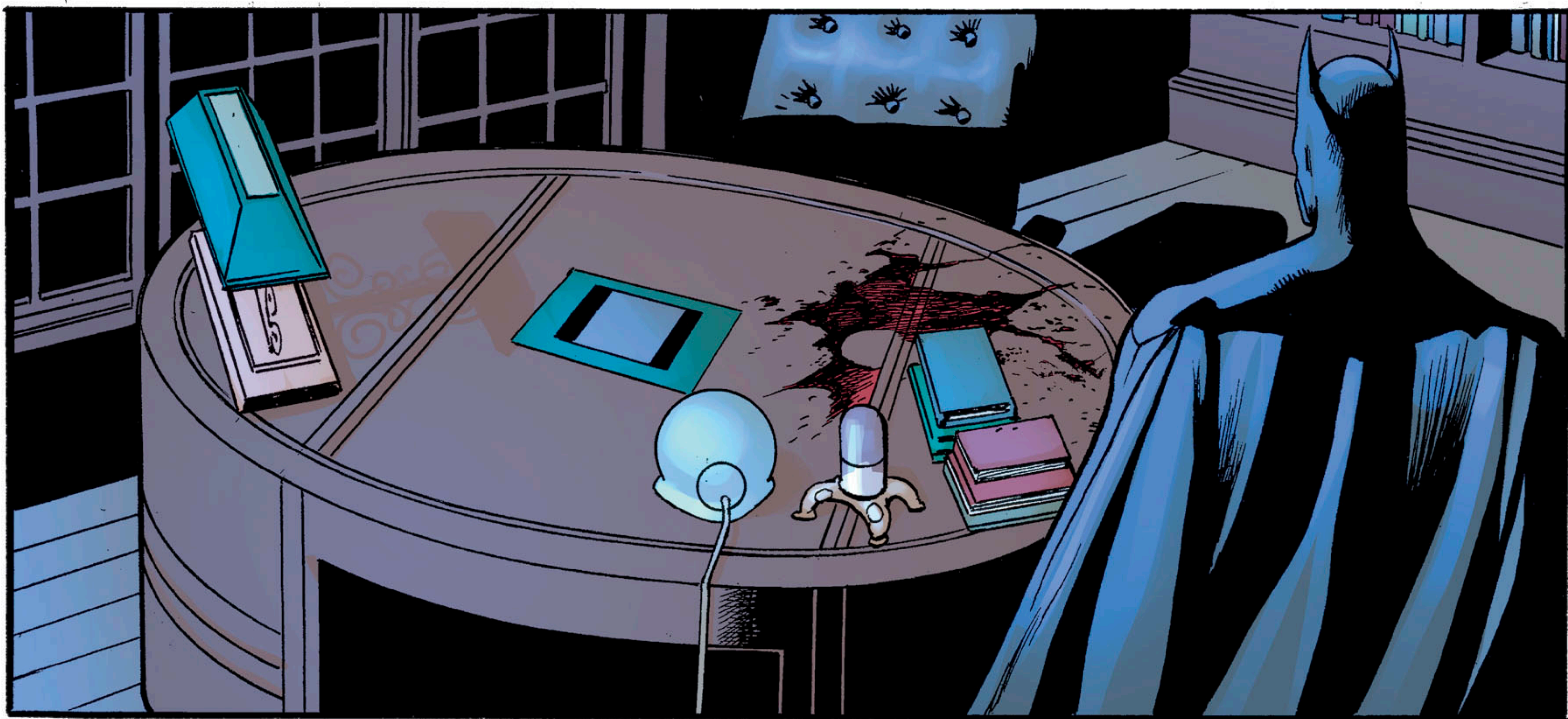
Editor

**MARIE JAVINS**

**BATMAN** created by **BOB KANE** with **BILL FINGER**

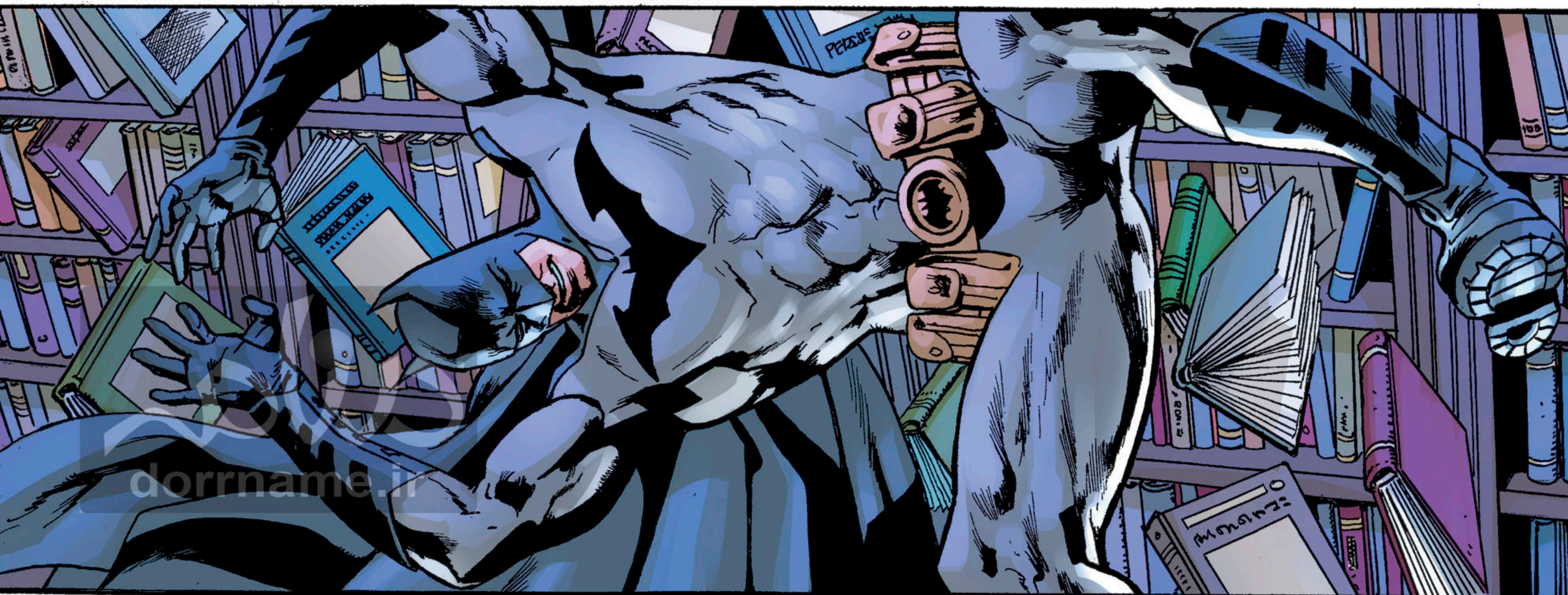
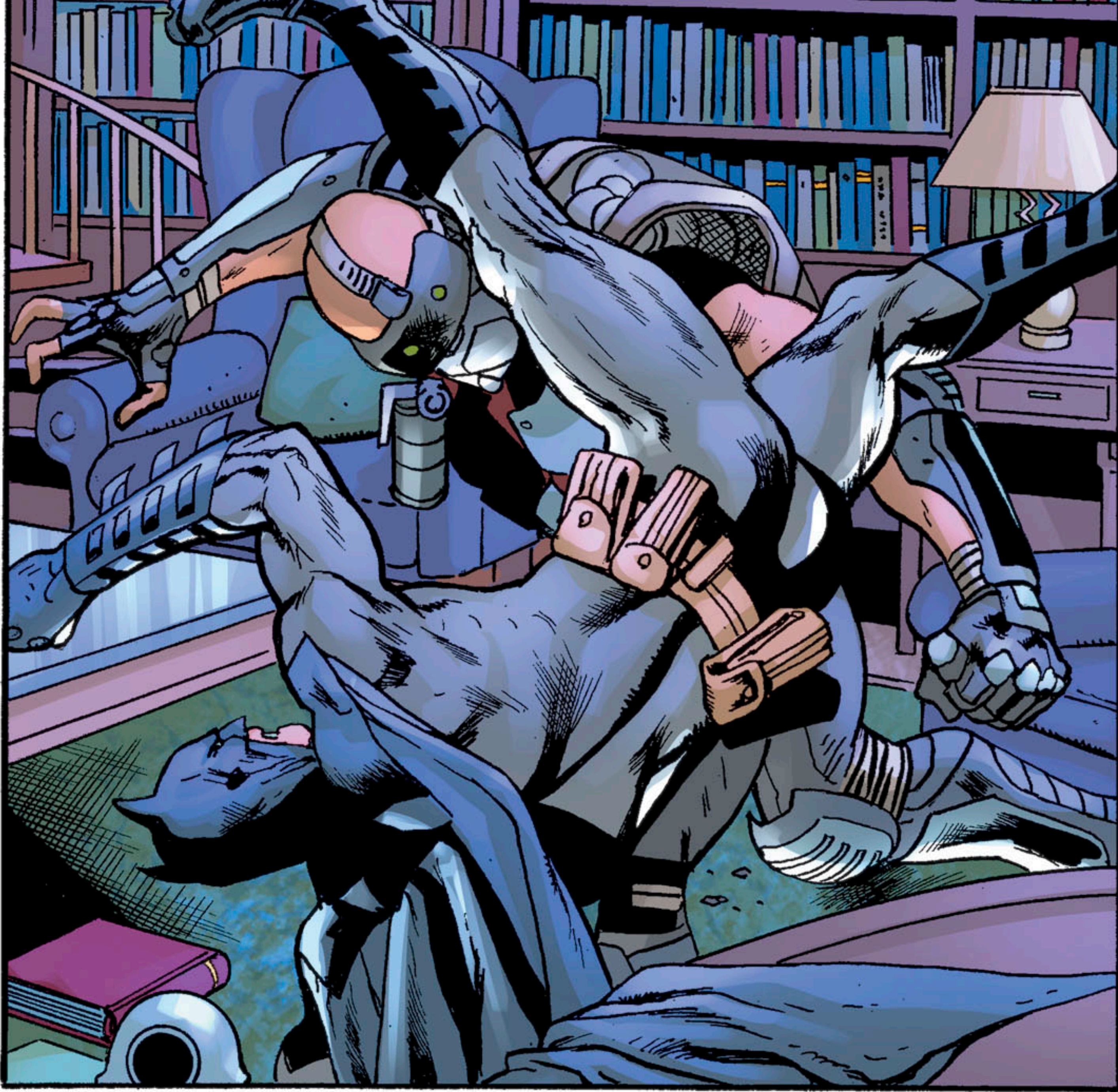


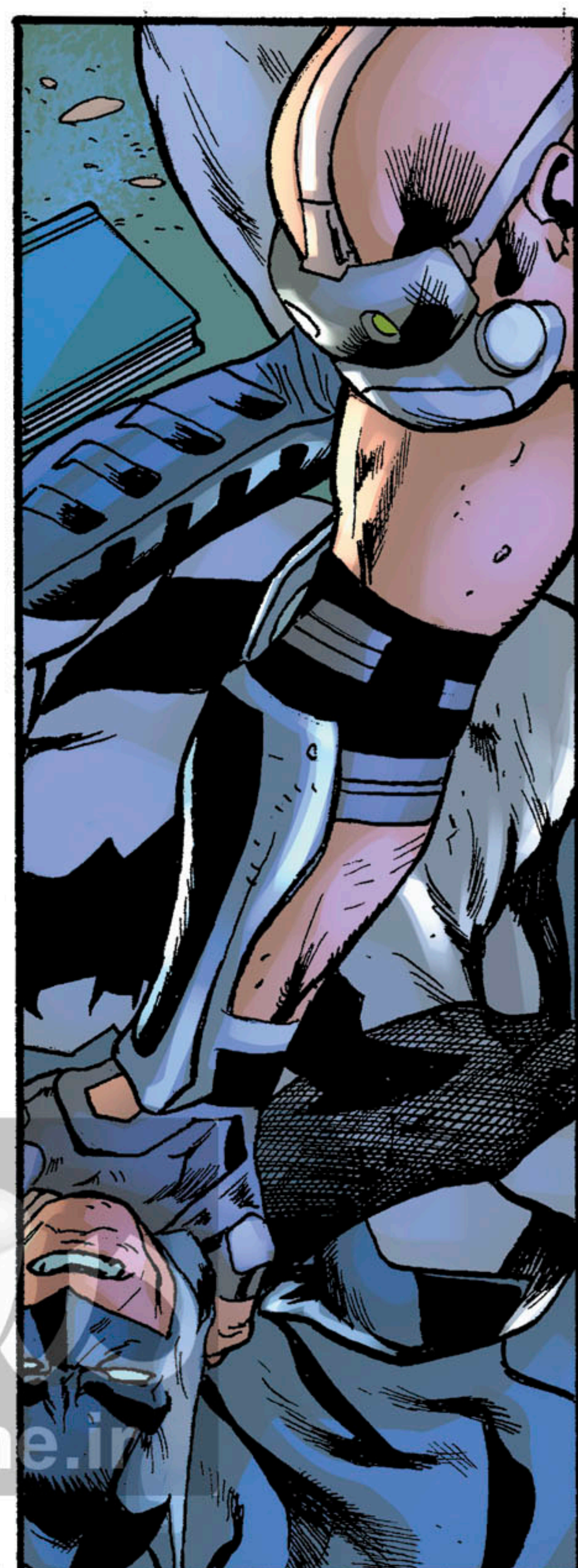
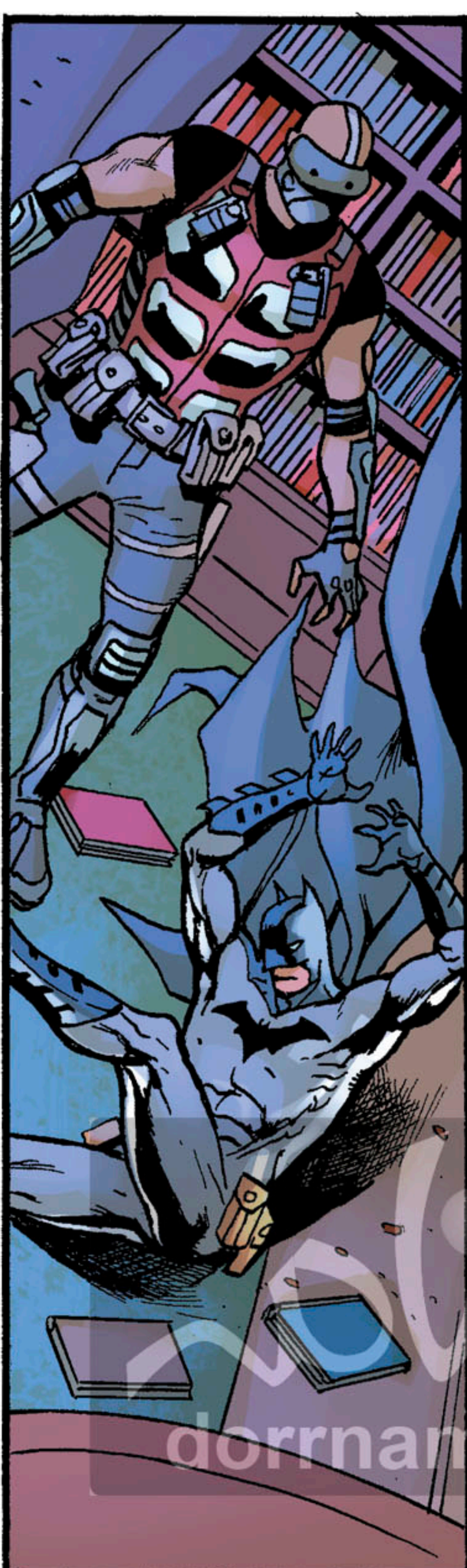


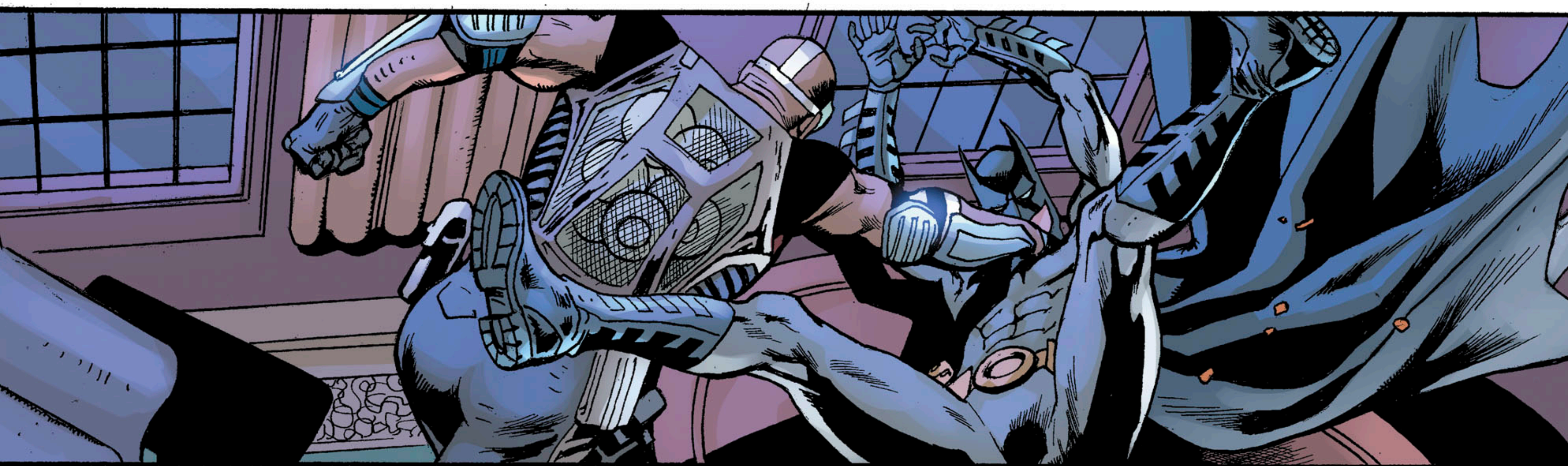
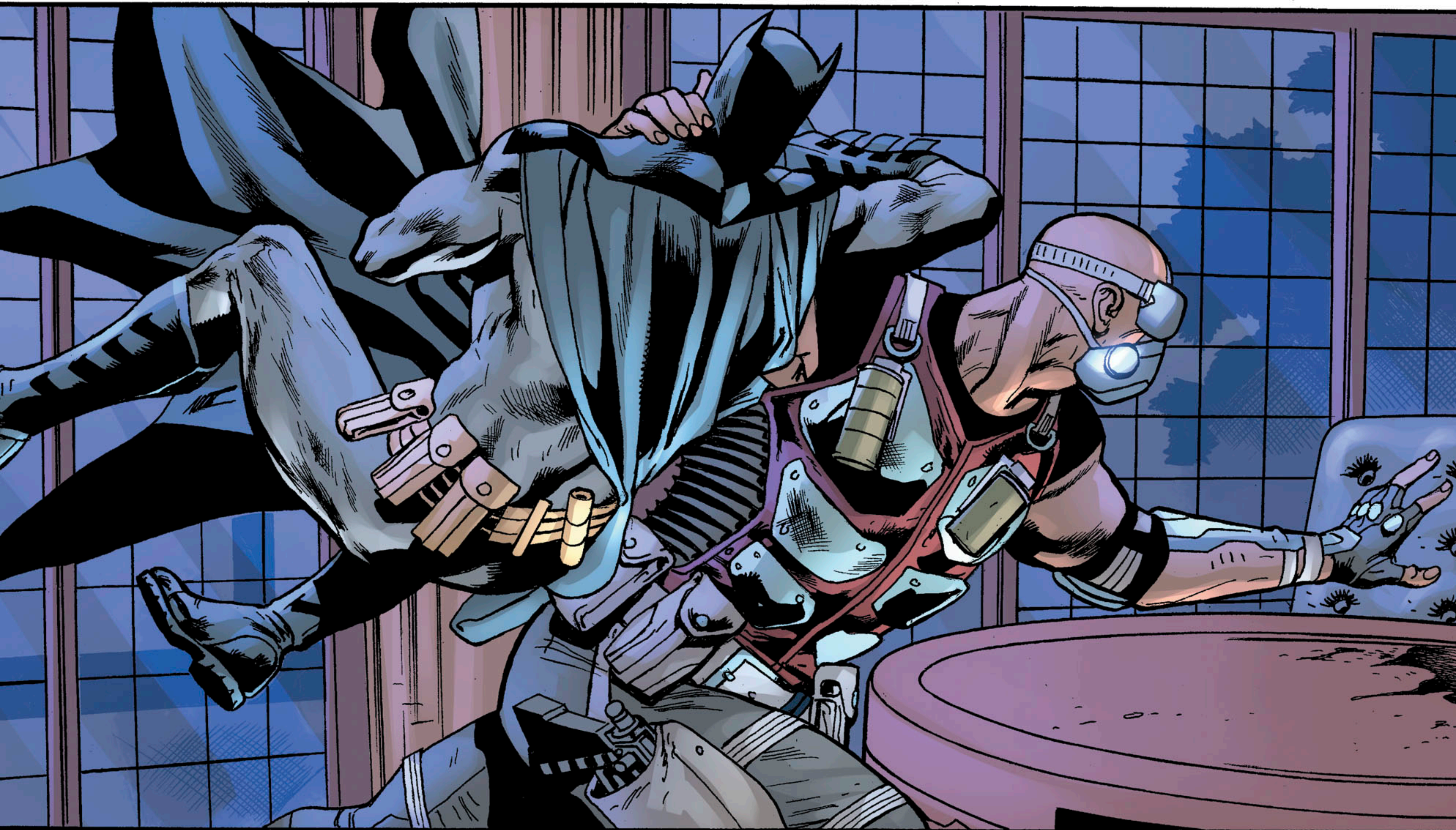
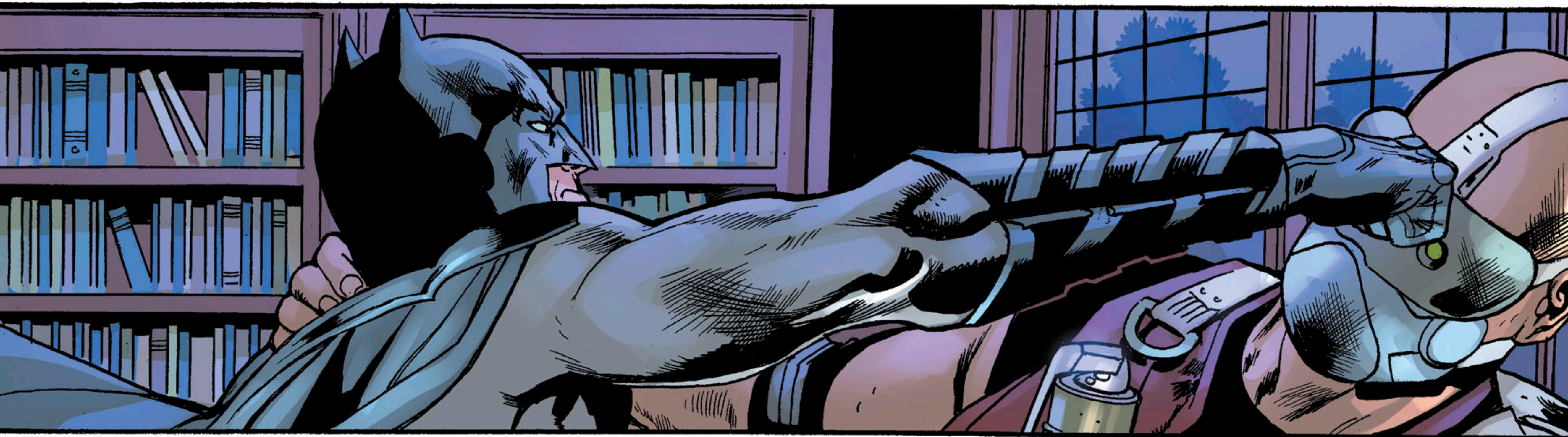




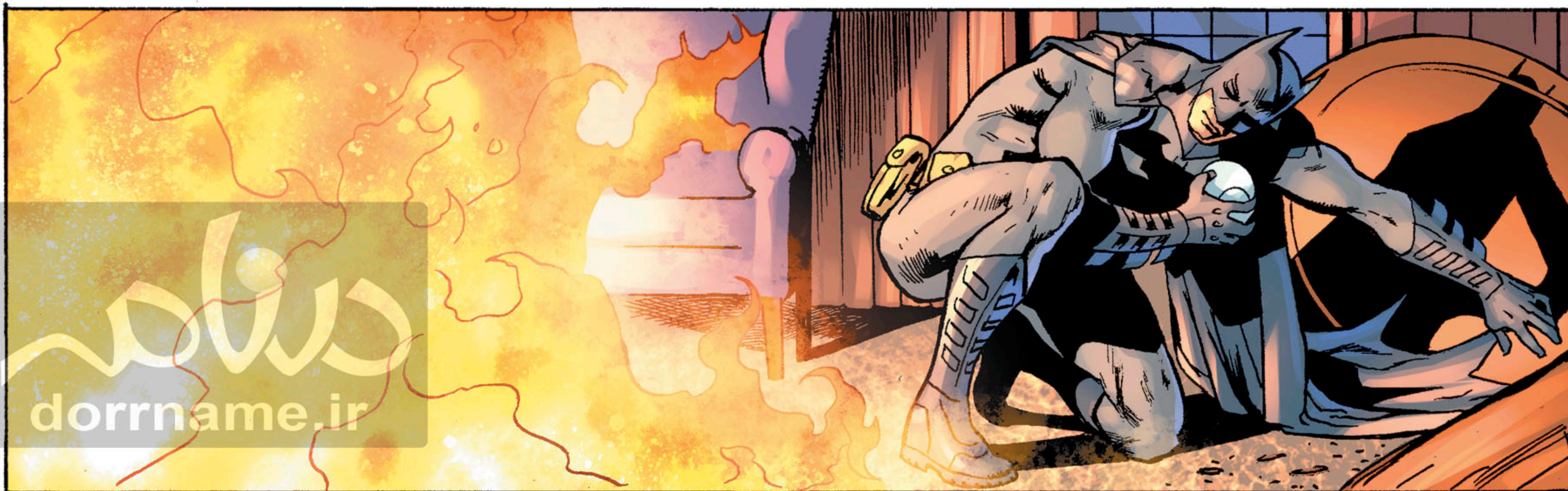
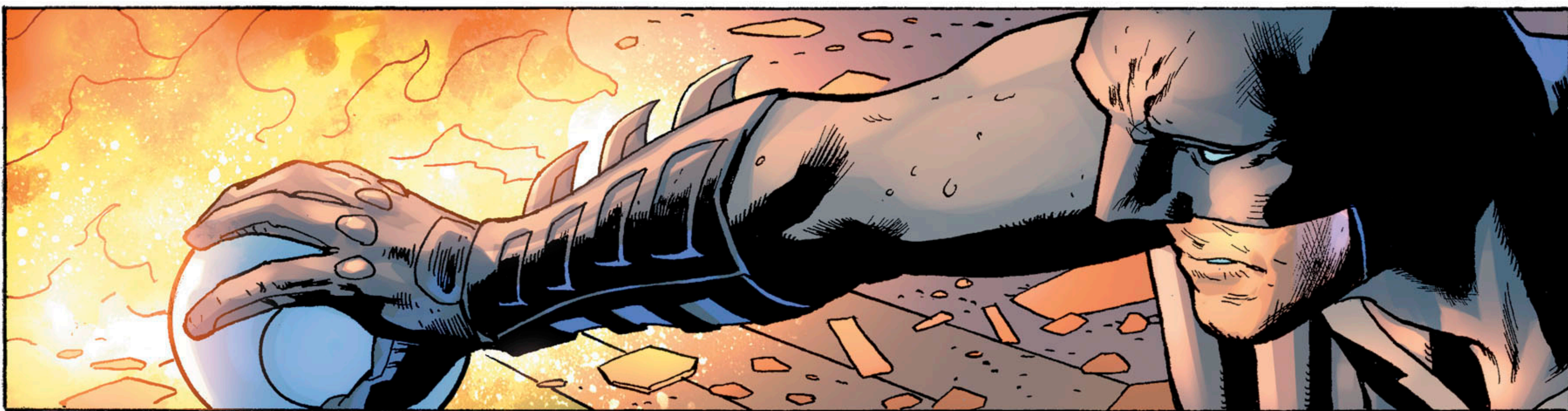
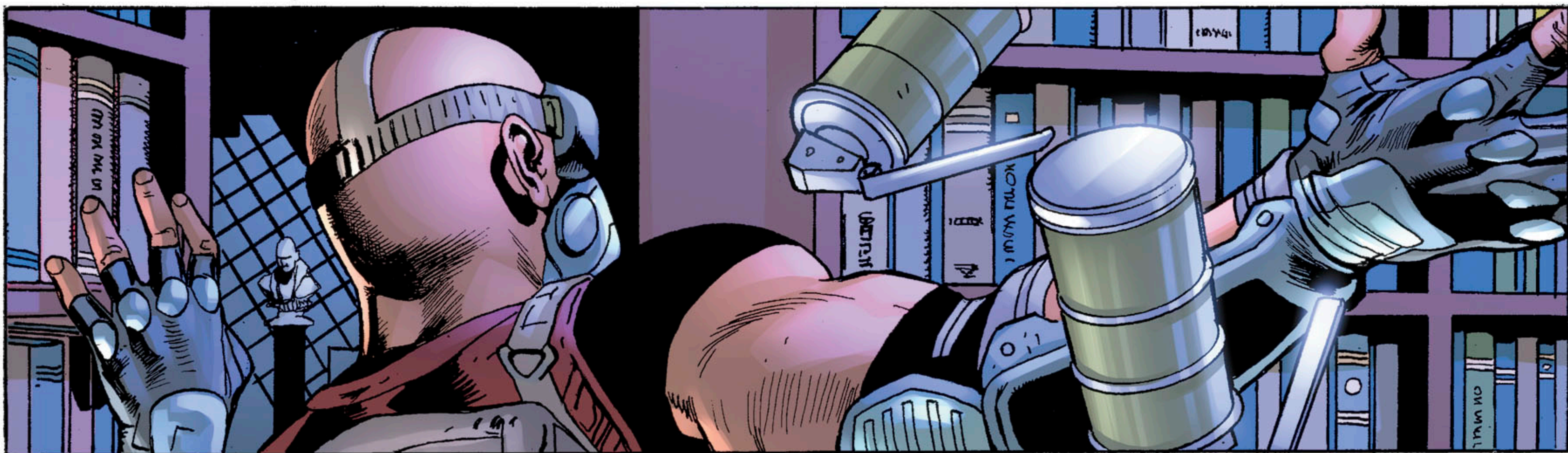


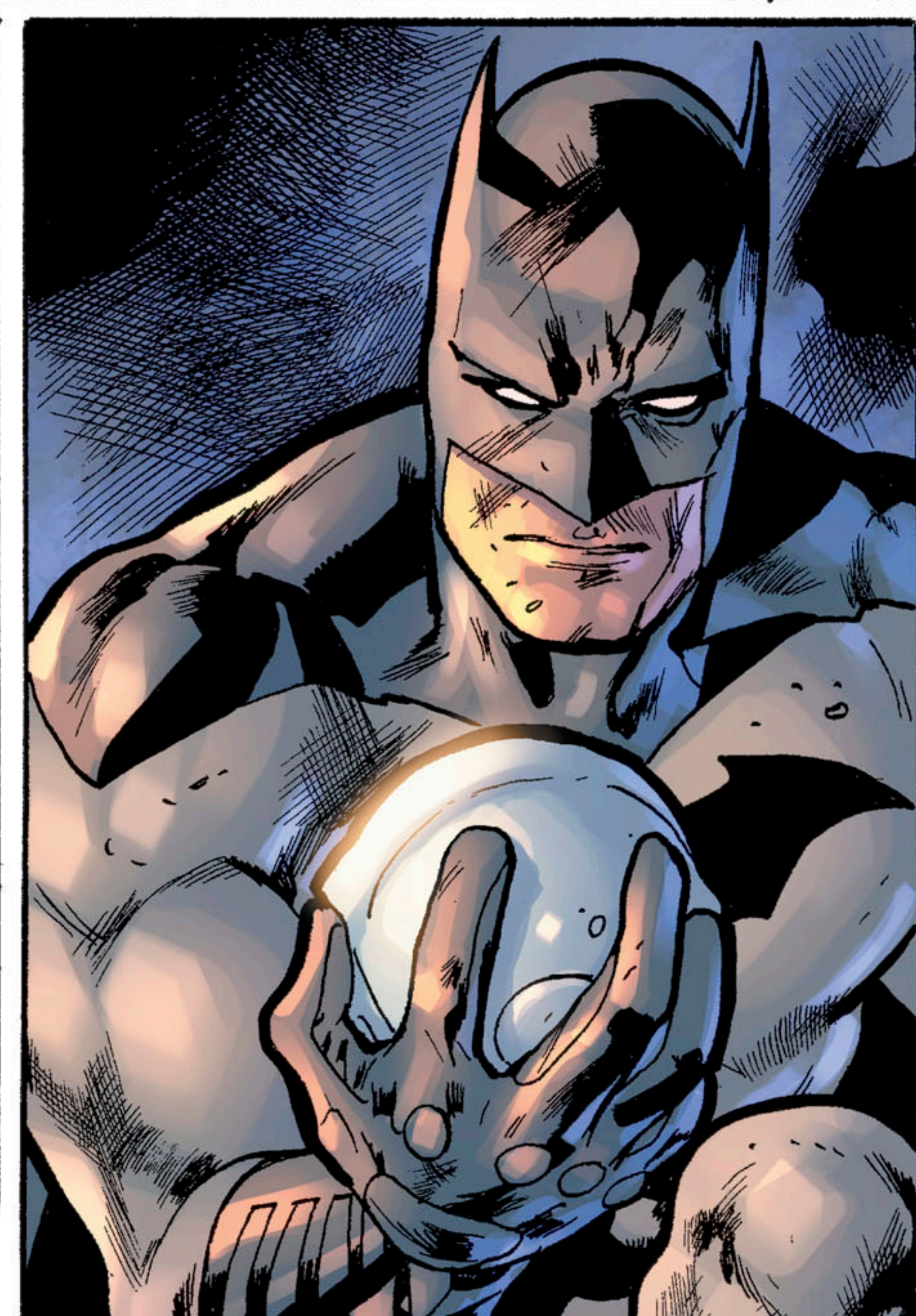
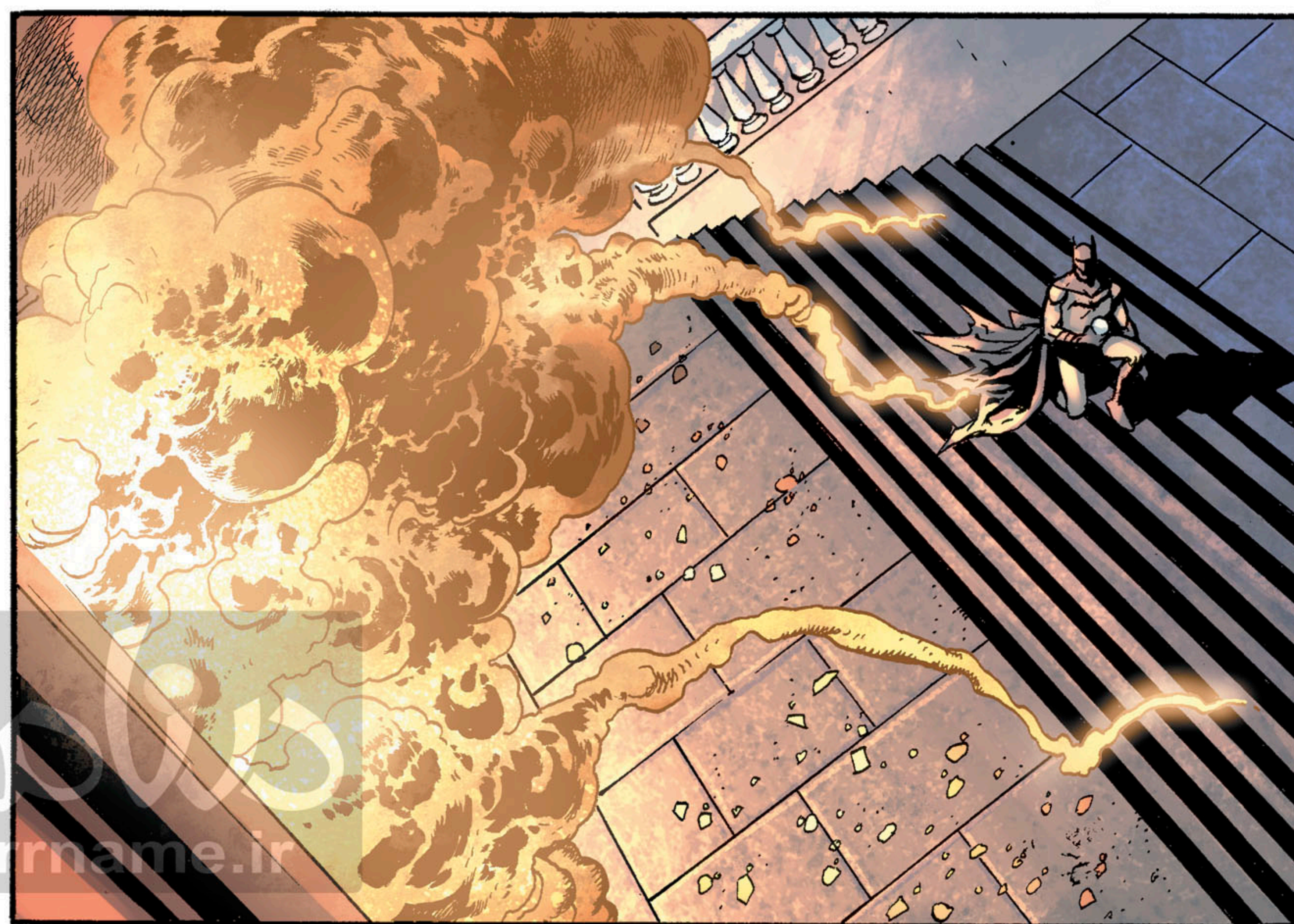
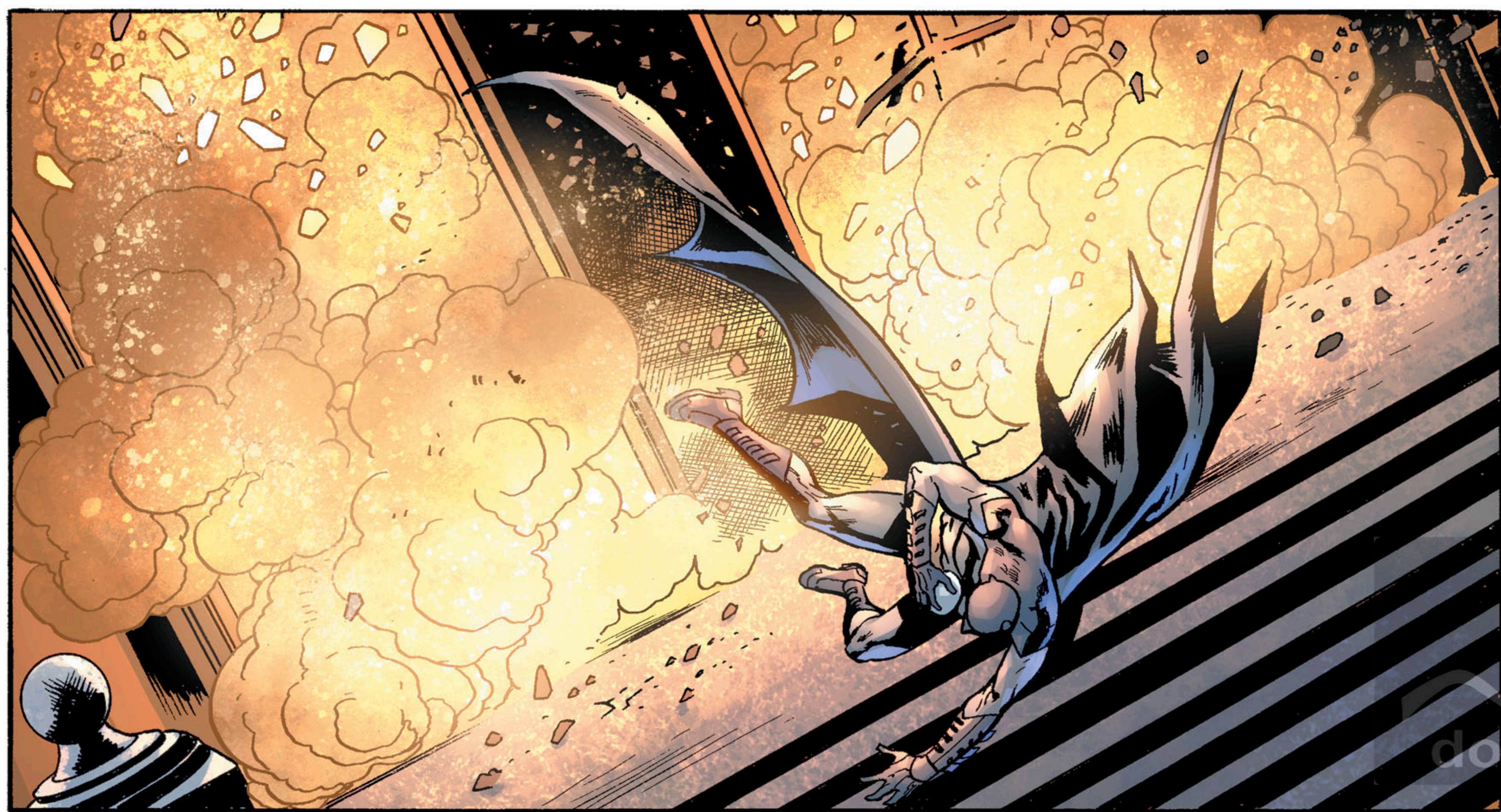
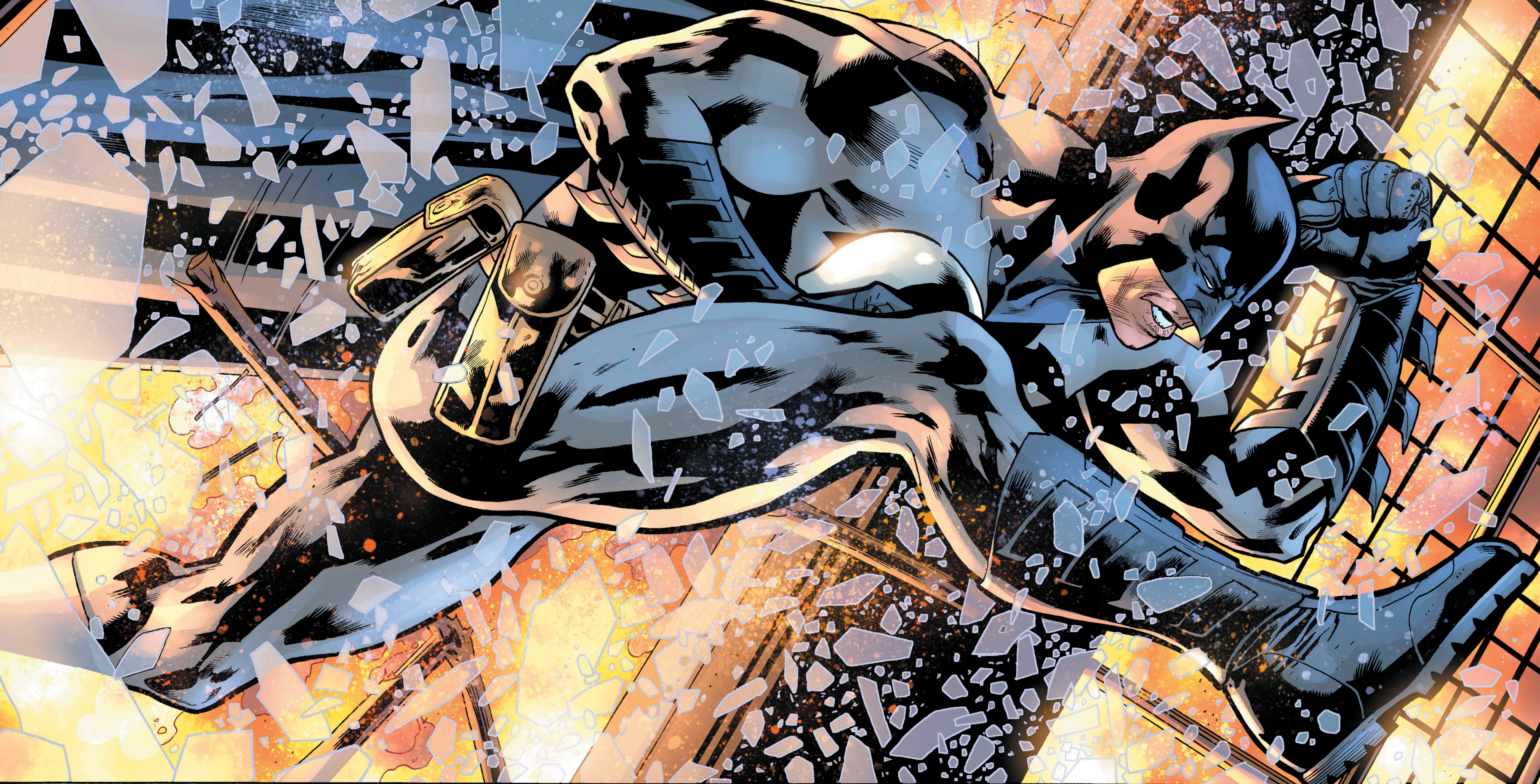














باید تو کیف  
فارادی می داشتمش  
تا مطمئن بشم کسی  
نمی تونه بهش متصل  
بشه.

خوب، غار به جهت  
دیجیتال امنه. مگه اون  
چیة؟

لکسیکان.  
دستیار صوتی  
لکس کورپ. تور تون  
انگار تو همه خونه  
قرار داده.



به صدات گوش می ده،  
باهات حرف می زنه. هشت  
میکروفون و یه دوربین  
کوچک.

مردم این چیزها رو می خرنند  
و تو خونه هاشون می ذارند.

درسته. در اصل این  
به جهت فن آوری از نسخه  
اولیه ای که وین کورپ ارائه  
داده، برتره.

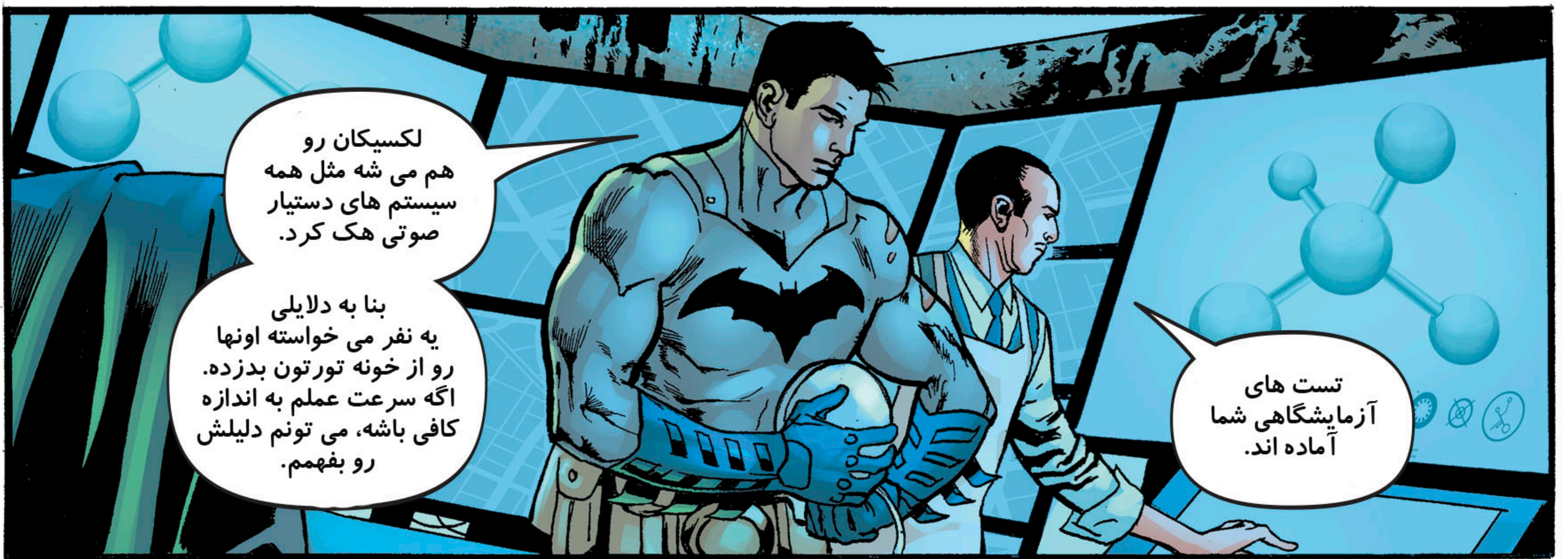


شما.  
می خواستید  
کامپیوترهایی رو که  
می بینند و می شنوند  
تو خونه مردم  
بذارید.



البته که  
این کارو کردید.





لکسیکان رو  
هم می شه مثل همه  
سیستم های دستیار  
صوتی هک کرد.

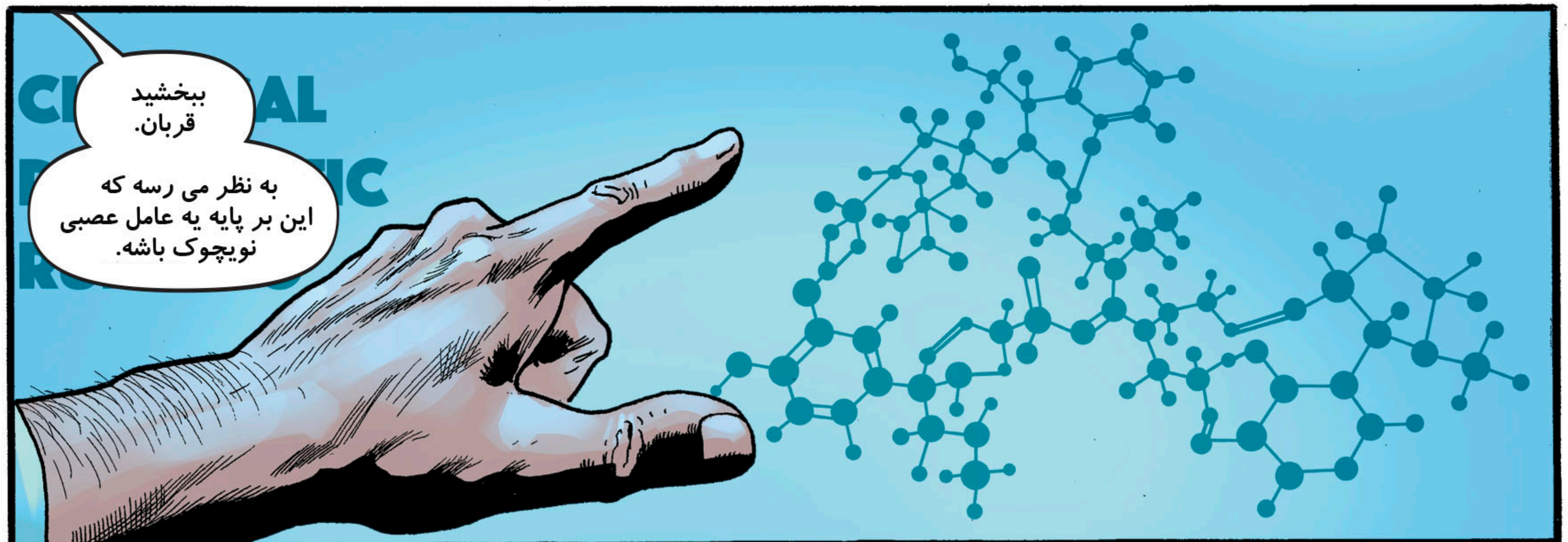
بنا به دلایلی  
یه نفر می خواسته اونها  
رو از خونه تورتون بدزده.  
اگه سرعت عملم به اندازه  
کافی باشه، می تونم دلیلش  
رو بفهمم.

تست های  
آزمایشگاهی شما  
آماده اند.



تورتون یه  
داروخانه سیار بوده.

مطمئن نیستم که بتونم اینو  
درست تشخیص بدم.

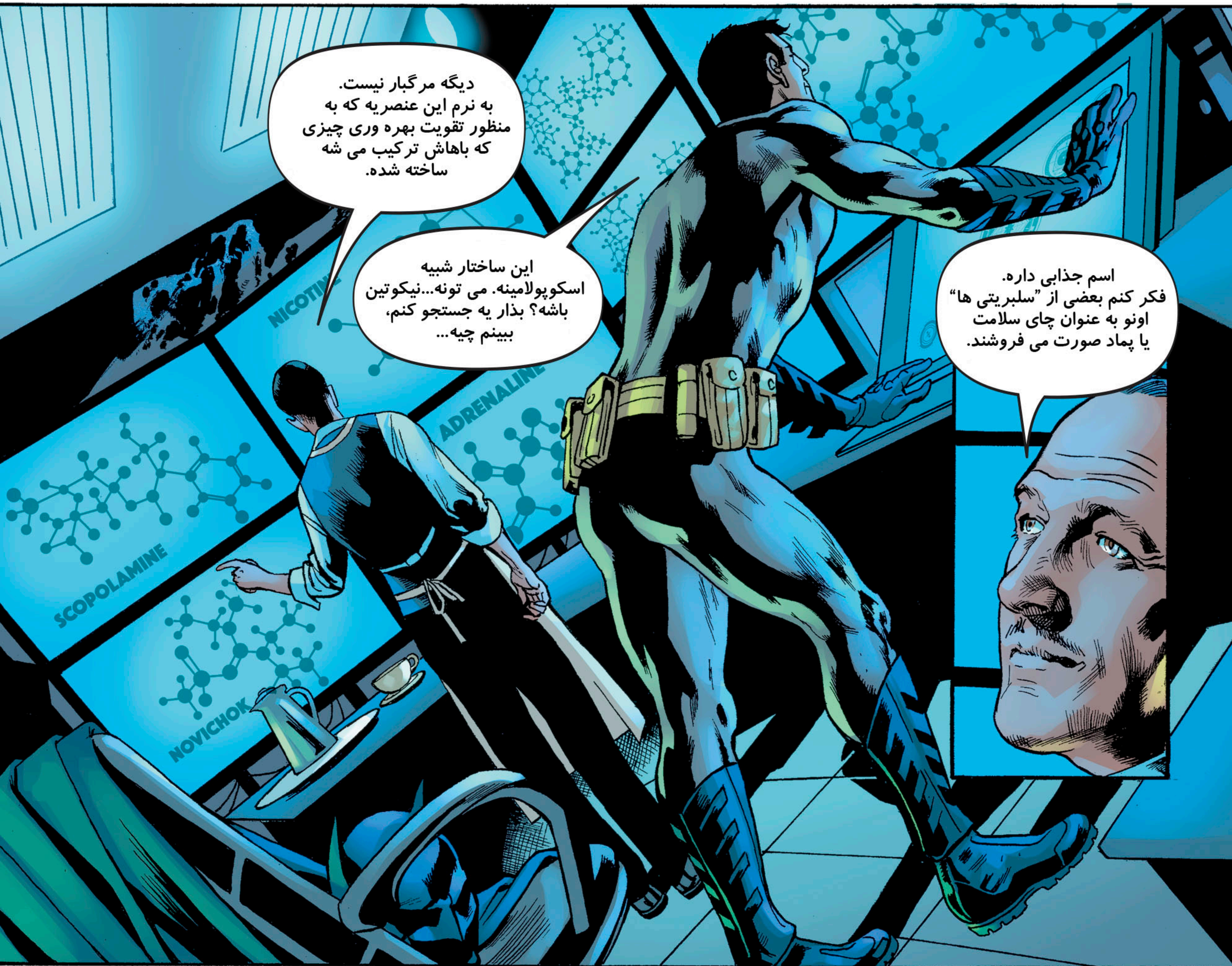


بخشید  
قربان.  
به نظر می رسه که  
این بر پایه یه عامل عصبی  
نویچوک باشه.



قربان، من تو  
بخش اطلاعات و امنیت  
کار کردم ارباب بروس.  
از عامل های نویچوک از دهه  
۱۹۷۰ استفاده می شده.

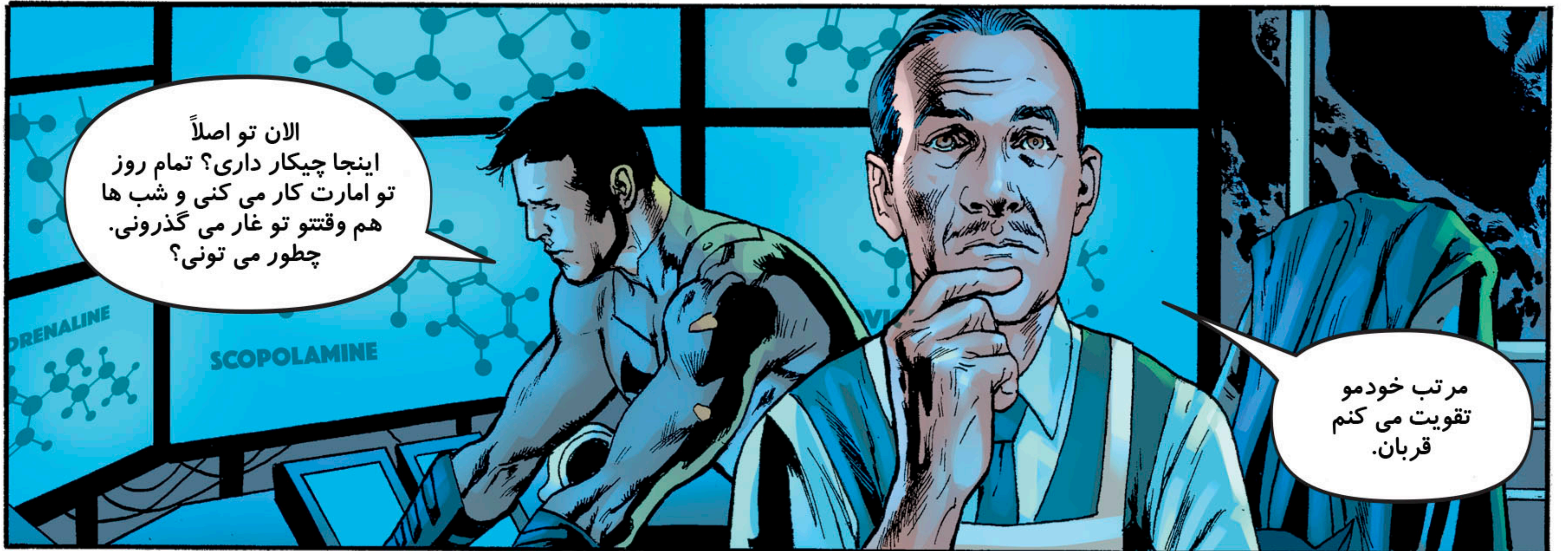
ولی رو این یکی  
تغییرات زیادی اعمال  
شده.



دیگه مرگبار نیست.  
به نرم این عنصریه که به  
منظور تقویت بهره وری چیزی  
که باهاش ترکیب می شه  
ساخته شده.

این ساختار شبیه  
اسکوپولامینه. می تونه... نیکوتین  
باشه؟ بذار به جستجو کنم،  
بینم چیه...

اسم جذابی داره.  
فکر کنم بعضی از "سلبریتی ها"  
اونو به عنوان چای سلامت  
یا پماد صورت می فروشند.



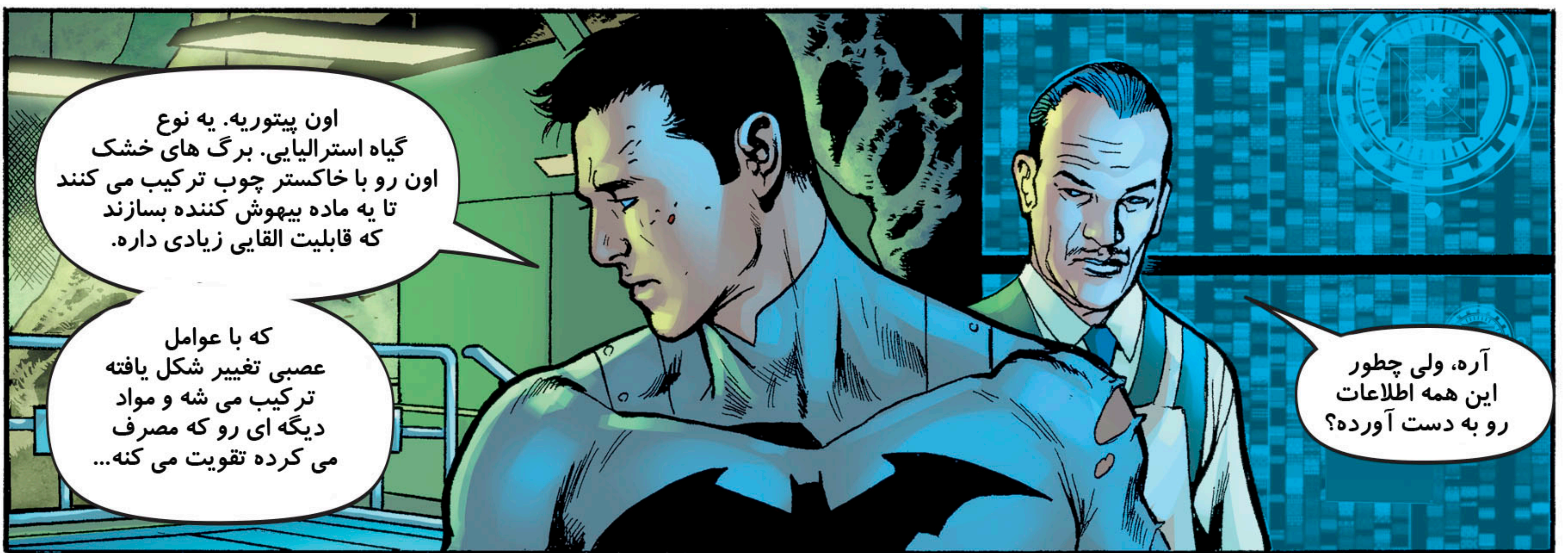
الان تو اصلاً  
اینجا چیکار داری؟ تمام روز  
تو امارت کار می کنی و شب ها  
هم وقتتو تو غار می گذرونی.  
چطور می تونی؟

مرتب خودمو  
تقویت می کنم  
قربان.



از زمانی که  
پانزده سال بیشتر  
نداشتم چهار ساعت  
بیشتر نمی خوابیدم  
ارباب بروس.

درست نقطه  
مقابل اونهایی که برای  
خوابیدن همیشه تو جیبشون  
قرص خواب دارند.



اون پیتوریه. به نوع گیاه استرالیایی. برگ های خشک اون رو با خاکستر چوب ترکیب می کنند تا به ماده بیهوش کننده بسازند که قابلیت القایی زیادی داره.

که با عوامل عصبی تغییر شکل یافته ترکیب می شه و مواد دیگه ای رو که مصرف می کرده تقویت می کنه...

آره، ولی چطور این همه اطلاعات رو به دست آورده؟



براش تجویز شده بودند.

اینها بخش هایی ثبت شده از لکسیکان هستند.

اون پراکنده گی آدرس ها رو می بینی؟ اونها از سرورهای لکس کورپ نیستند.

به فرد سومی دستوراتی به این دستگاه می فرستاده.



مثل؟

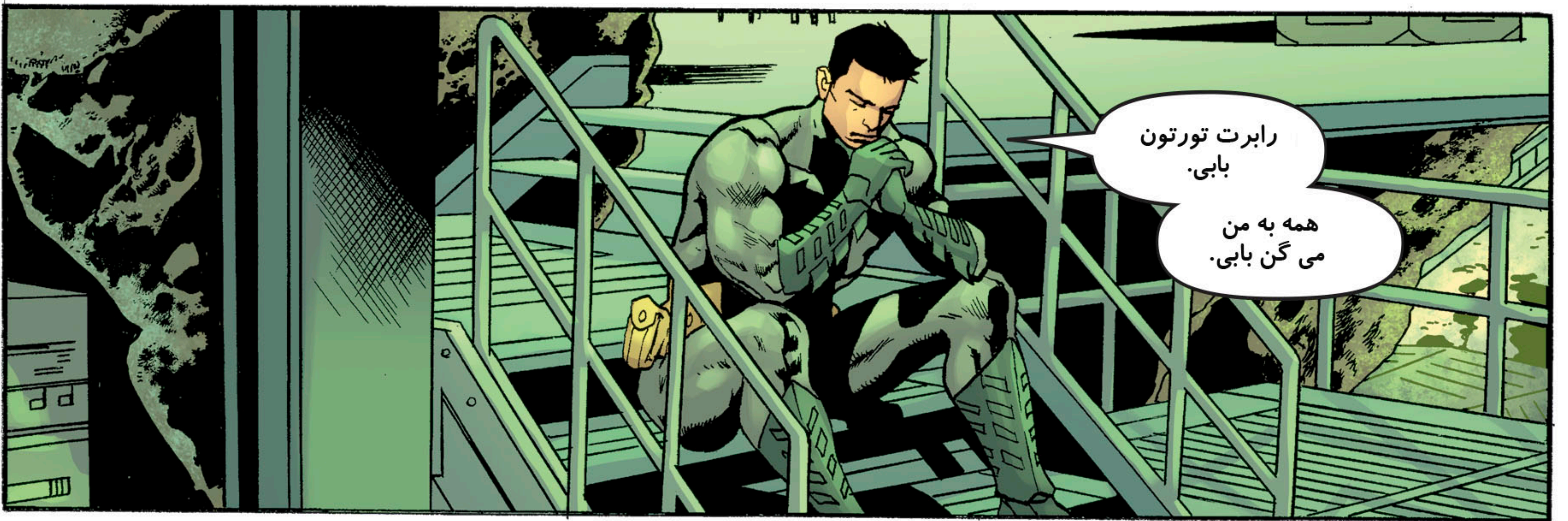
اینها شروع کننده های جمله ای سیستم صوتی لکسیکان هستند.

"کاری که درسته انجام بده." "با روند دنیا سازگار باش." دست راست خوب.



یکی دستگاه رو برنامه ریزی کرده تا با صدای بلند باهاش حرف بزنه.

باید به ثانیه دربارش فکر کنم.



رابرت تورتون  
بابی.

همه به من  
می گن بابی.



من ثروتمندم. ولی دیگه دادوستدهای  
بزرگی انجام نمی دم. گروه های مجرمان  
مثل قبل از من خوششون نمیاد و از  
چندین طرف به من حملاتی شده.

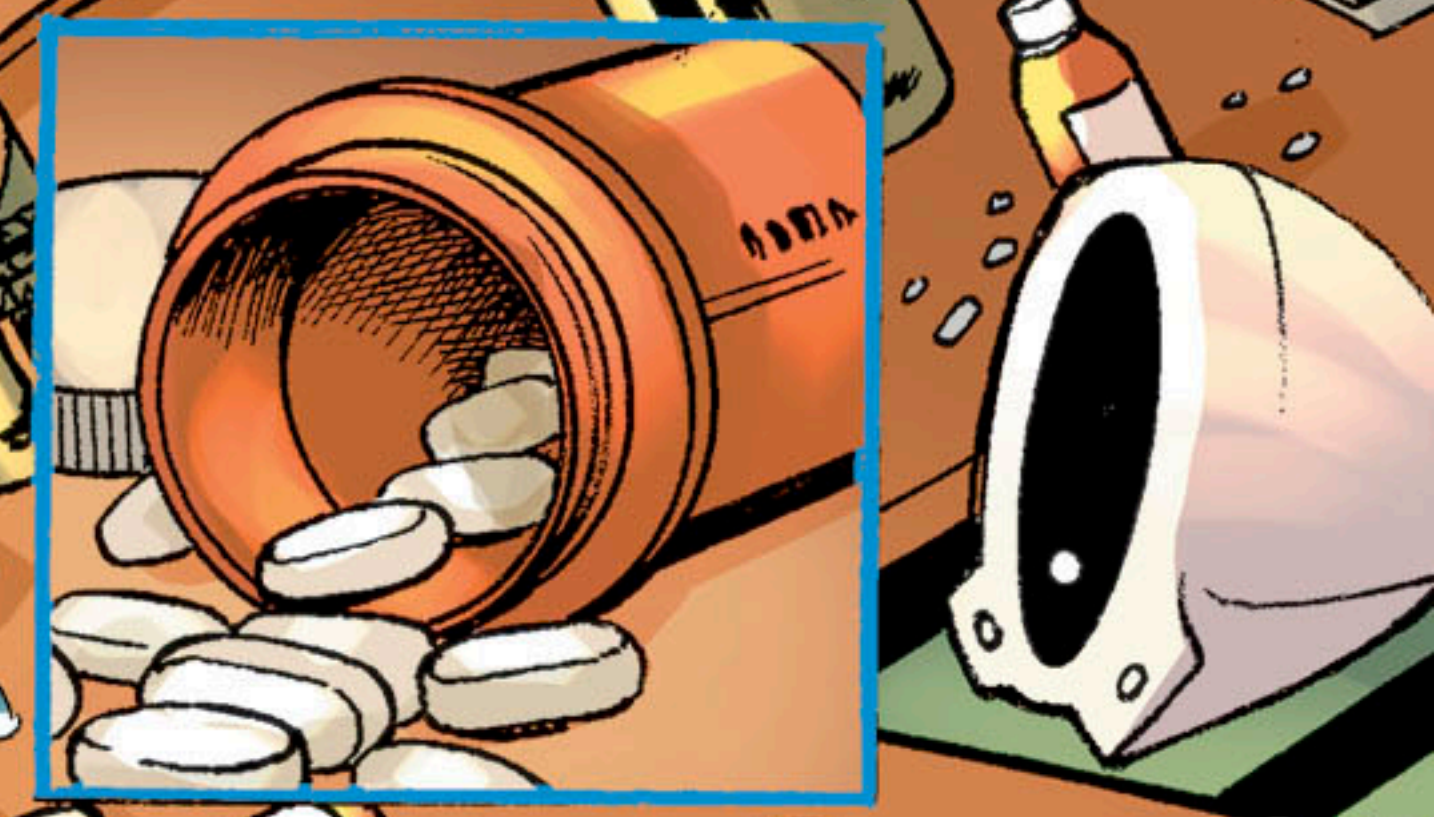
من مضرب و  
نگرانم. از خدمات یه  
روانکاو استفاده  
می کنم.

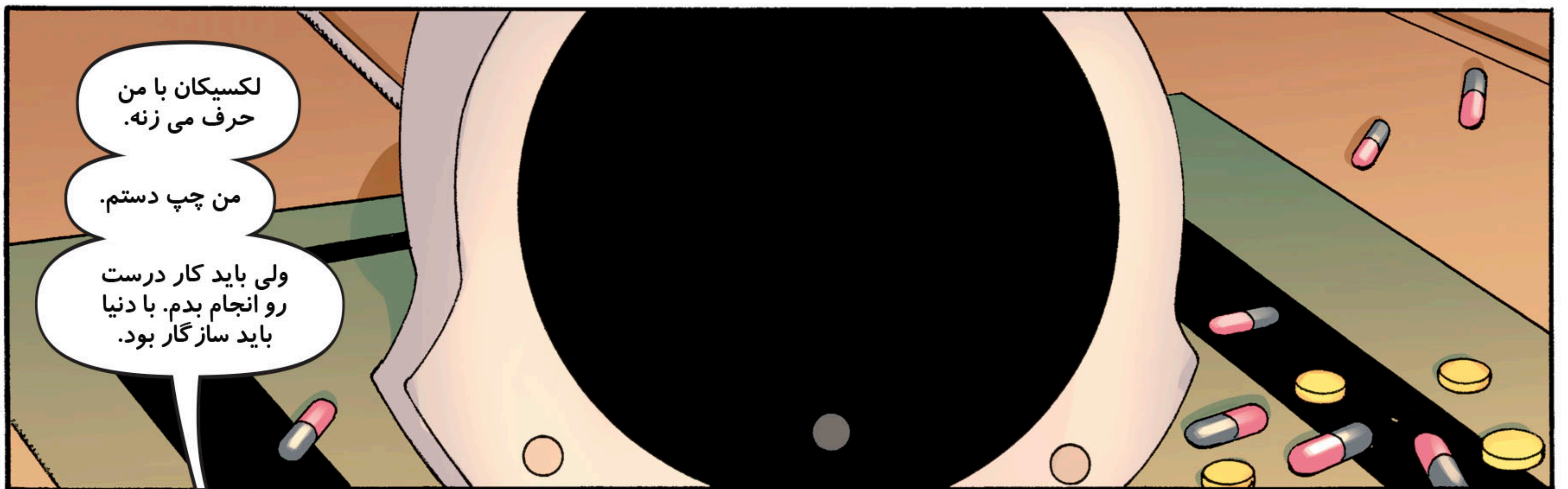


روانکاو من داروهایی  
رو برام تجویز کرده.  
داروها هی بیشتر و بیشتر  
می شن و گرون قیمت هستند.  
باید جنس خوب باشند.

تازگی ها متوجه شدم  
که حالم بهتر نمی شه.  
شایدم دارم بدتر می شم.

شاید روانکاو  
من داره منو سرکیسه  
می کنه.







روانکاو مورد نظر  
دکتر کارل هلفرنه که اسم های  
مستعار زیادی داره. اونه  
که این همه دارو رو به  
تورتون داده.

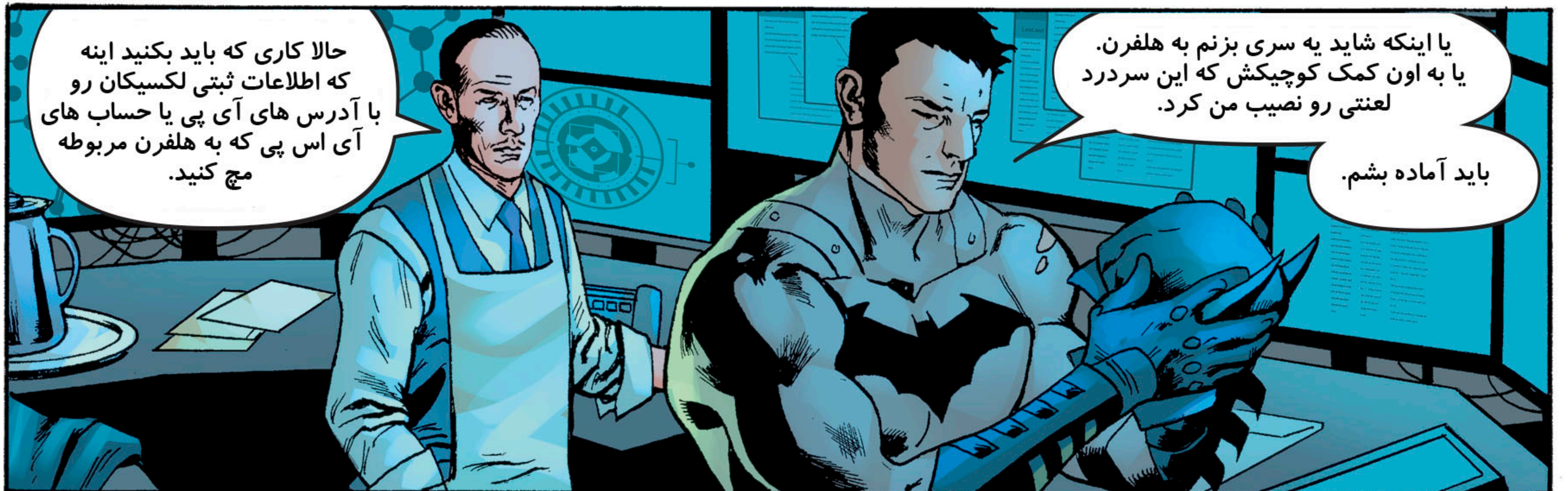
می بینید؟  
من هم می تونم همه  
این کارها رو بکنم  
ارباب بروس.



خیلی جالبه که چطور مردم  
عادی فکر می کنند روزی  
بیست و سه ساعت تو شهرهای  
گاتهام گشت می زنید و  
ماشین ها رو داغون  
می کنید.

در حالیکه اکثر وقت  
شما مثل محقق ها جلوی  
مانیتورها می گذره.

فکر کنم  
بتمن: دفتر کار  
می تونه عنوان خوبی  
برای یه برنامه تلویزیونی  
باشه.



حالا کاری که باید بکنید اینه  
که اطلاعات ثبتی لکسیکان رو  
با آدرس های آی پی یا حساب های  
آی اس پی که به هلفرن مربوطه  
مچ کنید.

یا اینکه شاید یه سری بزnm به هلفرن.  
یا به اون کمک کوچیکش که این سردرد  
لعنتی رو نصیب من کرد.

باید آماده بشم.



یا اینکه، به من گوش  
کنید و کار تحقیقاتی رو در  
موردش تموم کنید و اطلاعات  
رو از طریق سرور  
ناشناس به کامیسیر  
برسونید، مثل همیشه.

نود و دو  
درصد از زمان  
من صرف این  
کار می شه.



ولی هشت  
درصد باقیمونده  
است که به من حس  
بهتری می ده.

ادامه دارد

DC

3

of 12

# The Batman's Grave

دورنامه

[dorrname.ir](http://dorrname.ir)

مرجع کمیک های فارسی